

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :
Towards a Democratic Process in Urban Planning and Design; Assessing
the Status of Citizens' Involvement in Urban Plans and Projects in Iran
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

به سوی فرایندی دموکراتیک در برنامه‌ریزی و طراحی شهری؛ ارزیابی وضعیت مداخله شهروندان در برنامه‌ها و پروژه‌های شهری ایران

ناصر براتی^{۱*}، فردین حیدری^۲، مانی ستارزاد فتحی^۳

۱. دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.
۲. کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.
۳. کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۲۱ تاریخ اصلاح: ۹۷/۱۰/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۰۷ تاریخ انتشار: ۹۸/۰۷/۰۱

چکیده

بیان مسئله: به نظر می‌رسد که امروزه به دلیل نبود دموکراسی مشورتی و مشارکتی، بسیاری از طرح‌ها و برنامه‌های شهری کشور ایران دارای ماهیتی تمامیت‌خواهانه، تمرکزگرایانه و انحصارطلبانه هستند. وجود این گونه ناکارآمدی‌ها در مراحل ارائه و اجرا، سبب نفی حقوق شهروندی و ترجیحات همگانی می‌شود. لذا، شهروندان در قبال پیامدهای منفی ناشی از اقدامات شهری احساس مسئولیت نمی‌کنند. همین‌طور، بستر مناسبی هم برای تأثیرگذاری آنها بر مراحل مختلف فرایندهای شهری و مطالبه حقوق و ارائه نظراتشان فراهم نشده است. بدین ترتیب، پروژه‌های شهرسازی کشورمان محوریت و نقش خود را به عنوان عاملی برای ایجاد ثبات و پایداری و ارتقای نقش مردم در توسعه و اداره شهر از دست داده‌اند. بنابراین، آنچه در این مقاله به عنوان انگیزه اصلی و اساس بحث مطرح است، نحوه ارتقای دموکراسی شهری در فرایندهای برنامه‌ریزی و طراحی شهری است.

هدف: هدف اصلی این مقاله، واکاوی علل نبود زمینه مداخله دموکراتیک برای شهرنشینان و شهروندان در فرایندهای توسعه و مدیریت شهری، و همچنین یافتن راه‌حلی برای برون‌رفت از این معضل اجتماعی عمیق و گسترده است.

فرضیه تحقیق: تحقق دموکراسی و مشارکت واقعی شهروندان در روند توسعه فضاهای شهری می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های صحیح‌تر و کارآمدتر و همین‌طور اجرای موفقیت‌آمیزتر برنامه‌ها و طرح‌های شهری بیانجامد.

روش تحقیق: روش تحقیق در این مقاله از نوع تحلیل محتوا و مقایسه‌ای است که طی آن، ضمن مطالعه ارکان نظام دموکراتیک، سعی می‌شود نحوه مداخله دموکراتیک شهرنشینان در فرایندهای توسعه و مدیریت شهری کشور ایران نیز با در نظر گرفتن اصول نظریه انتقادی بررسی شود؛ در واقع سعی شده تا از دل فرایند نقد و تحلیل ماهیت وضع موجود و مقایسه آن با ارکان لازم برای تحقق فرایند دموکراتیک شهری، بستری برای ارائه یافته‌ها و راه‌کارهای پیشنهادی فراهم شود. همچنین، برای جمع‌آوری اطلاعات نیز از مطالعات اسنادی، مصاحبه با مردم و همین‌طور مشاهدات میدانی استفاده شده است.

نتیجه‌گیری: بسیاری از معضلات مربوط به نظام‌های شهری کشور ایران، از عوامل غیردموکراتیکی مانند عدم مشارکت‌پذیری، نبود همه‌شمولی، نقض حقوق شهروندی و عدالت شهری، قوانین شهری فاقد مشروعیت، عدم انعطاف‌پذیری و زوال کثرت‌گرایی نشئت می‌گیرد. لذا با تمهید معیارهایی همچون کثرت عقاید، همه‌شمولی، انعطاف‌پذیری، شکل‌گیری جوامع مردم‌نهاد، آموزش و گفتمان شهروندی، تنوع‌پذیری و رعایت حقوق شهروندان به شهر، می‌توان این فرایندها را دموکراتیزه و در نتیجه بستری برای بروز شکلی جامع از برنامه‌ریزی و طراحی شهری دموکراتیک فراهم کرد؛ فرایندی که با ایجاد فرصت‌های برابر منجر به تقویت دموکراسی شهری می‌شود و به جایگاه مردم، نه به عنوان مشکل بلکه به مثابه راه حل، ارج می‌نهد.

واژگان کلیدی: دموکراسی مشورتی و مشارکتی، عدالت شهری، مشارکت اجتماعی، شهرسازی دموکراتیک، حق به شهر.

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۳۱۵۷۳۸۲ naser.barati2012@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

پس از مطرح شدن سؤالات مقاله، می‌توان فرضیه را بدین قرار تدوین نمود: تحقق دموکراسی و مشارکت واقعی شهروندان در حوزه توسعه فضاهای شهری می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های صحیح‌تر و کارآمدتر و همین‌طور اجرای موفقیت‌آمیزتر برنامه‌ها و طرح‌های شهری بینجامد.

بدین ترتیب این مقاله بر آن است نشان دهد که آیا حضور و مداخله و مشارکت مستقیم مردم در فرایندهای برنامه‌ریزی و طراحی شهری (شهرسازی) امری ضروری و غیرقابل اجتناب است یا خیر؟ همچنین می‌کوشد بیان کند که اگر این امر ضروری است، مکانیسم‌ها و سازوکارهای دموکراتیزه کردن فرایندهای توسعه و مدیریت شهری کدام‌اند؟ همین‌طور این مقاله در مراحل بعدی، کندوکاو خود را این‌گونه ادامه می‌دهد که چگونه می‌توان در شرایط امروزی کشور ایران، روندها و فرایندهای مدیریت و توسعه شهری را به سوی یک تعامل دوجانبه دموکراتیک بین مردم و مسئولان هدایت کرد. بدین منوال، با مراجعه به منابع و اسناد موجود و بررسی و مقایسه نظریه‌ها و تجارب کشور ایران، سعی خواهد شد ضرورت غیرقابل انکار مشارکت و مداخله مستقیم مردم در امور توسعه و مدیریت شهری اثبات شود. همچنین راه‌کارهایی نیز برای نهادینه کردن شیوه‌های دموکراتیک در روند توسعه و مدیریت شهری کشورمان ایران بیان خواهد شد تا فرایند برنامه‌ریزی و طراحی شهری کشور مشخصاً در یک معادله برد-برد قرار گیرد و رضایت عمومی جلب شود.

پیشینه مطالعه و مبانی نظری

• **دموکراسی و بنیان‌های آن؛ تحلیل سیاسی و فلسفی** دموکراسی یک مدینه فاضله نیست؛ دموکراسی به مفهوم حفظ قدرت مردم و بهره‌وری از آن در موقعیت مناسب است (Purcell, 2016, 397). در این مورد، هر کس می‌پذیرد تا دولت بر اقداماتش نظارت کند، اما اجازه نمی‌دهد تا بر اندیشه‌اش غلبه شود (پوپر، ۱۳۸۰). برخلاف دموکراسی یونان باستان، امروزه این مفهوم در زمینه‌ها و مقوله‌های مختلفی بسط داده شده است؛ بنابراین استنتاج تعریفی واحد از دموکراسی دشوار است. همین‌طور، دموکراسی دارای درون‌مایه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بسیاری همچون لیبرالیسم، پراگماتیسم، نسبی‌گرایی^۸، اصالت قرارداد^۹، مساوات‌خواهی^{۱۰}، فردگرایی، کثرت‌گرایی و اثبات‌گرایی منطقی^{۱۱} است، که هر یک از آنها نقش مهمی در استیفای آزادی و حقوق سیاسی و مدنی انسان ایفا می‌کنند (بشیریه، ۱۳۹۲). در جدول ۱ سعی شده است مهم‌ترین نکات مفهوم دموکراسی از دیدگاه‌های گوناگون کاپیتالیستی، اخلاقی، آموزشی، اجتماعی و غیره ارائه شود. بی‌شک قریب به تمامی جوامع غیردموکراتیک، از شرایط سنتی

شاید بتوان ماهیت کلی و جان کلام این مقاله را در یک جمله بیان نمود: «اگرچه تنها عده‌ای اندک ممکن است مبدع سیاستی باشند، ما همه می‌توانیم درباره آن داوری کنیم» (پوپر، ۱۳۸۰، ۲۵). متأسفانه در مغایرت با این جمله، همواره در اقدامات مربوط به برنامه‌ریزی و طراحی شهری، مفاهیم تمامیت‌خواهانه^۱ دارای ماهیت غیرمنطقی متعددی در دو گونه افراطی و متفاوت مطرح شده‌اند. گونه نخست عوام‌گرایی^۲ است، که منجر به حاکمیت اکثریت بر اقلیت و باعث نقض حقوق بخش ناتوان سیاسی-اجتماعی می‌شود؛ گونه دوم نخبه‌گرایی^۳ است، که با تکیه بر مفهوم عقل برتر به ظهور انحصارطلبی در امور شهری می‌انجامد. این دو رویکرد، با قراردادن امر برنامه‌ریزی و طراحی شهری در تسلسلی بی‌انتهای، در نهایت به پوچی و بی‌حاصلی می‌انجامند.

امروزه برخی از رویه‌های شهری، از انحصارطلبی و جانب‌داری تبعیت می‌کنند. بدین معنا که گروه‌های اجتماعی مسلط، سعی در شخصی‌سازی فضاهای عمومی دارند (Bickford, 2000)؛ بنابراین، بخش بزرگی از شهروندان جامعه صرفاً به استفاده‌کنندگان منفعل فضاهای شهری بدل می‌شوند (Sanoff, 2008, 59). به تبع همین امر، فقدان دموکراسی شهری در بسیاری از کشورهای در حال توسعه باعث می‌شود تا معنای واقعی و بنیادی مفهوم شهروندی و کیفیت کثرت‌گرایی^۴ دچار تقلیل شود؛ لذا این‌گونه مفاهیم و کیفیات، تنها در فردگرایی^۵ و منافع شخصی خلاصه می‌شوند و جنبه‌های بارز نوع‌دوستی^۶ نظیر تعالی اجتماعی، علایق عمومی و مسئولیت‌پذیری مورد غفلت قرار می‌گیرد (Purcell, 2003, 2016). پیرو این‌گونه رفتارهای غیراجتماعی و خودبینی^۷، ارزش‌هایی از قبیل تنوع عقاید و تکرر باورها و منافع عمومی در فرایندهای شهری رو به اضمحلال می‌روند. به طور مشخص، امروزه در کشور ایران نیز می‌توان به وضوح کاستی‌ها و مشکلات شهری مشابهی را مشاهده نمود، از جمله: نبود انعطاف‌پذیری و زمینه‌گرایی، عدم ارتباط و پیوستگی فضایی، حقوق شهروندی و حیات عمومی سست و ناچیز، عدم وجود فرهنگ مشارکت و به طور کلی تمرکزگرایی و بی‌توجهی به پتانسیل‌های اجتماعی. اکنون می‌توان با توجه به آنچه گفته شد، سؤالات مرتبط با موضوع مقاله حاضر را به شکل زیر مطرح نمود:

۱. مردم باید در برنامه‌ها و فرایندهای توسعه شهری چه نقشی داشته باشند؟
۲. دموکراسی در حوزه فرایندهای توسعه فضاهای شهری چه معنایی دارد؟
۳. نیازهای زمینه‌ای لازم برای تحقق دموکراسی در روند توسعه شهرها کدام‌اند؟

جدول ۱. مفهوم دموکراسی از دیدگاه‌های گوناگون؛ ارزش‌های اصلی دموکراسی. مأخذ: نگارندگان.

منابع	نکات مهم مرتبط با دموکراسی	رویکرد	نظریه پرداز
بشیریه، ۱۳۹۲ Kapeller & Pühringer, 2012	آزادی فردی و جمعی / برابری طبیعی / حق به بودن / رضایت عمومی / جوامع مدنی / نظارت مردمی / مشارکت عمومی	لیبرال دموکراسی	جان لاک
سالیوان، ۱۳۸۰	آزادی / قوانین مدنی / کرامت فردی / برابری و مساوات / عمومیت	اخلاق و دموکراسی	امانوئل کانت
بشیریه، ۱۳۹۲	رد تقدم و برتری عقلی / آموزش دموکراتیک / عقاید جمعی / آزادی بیان	پراگماتیسم	جان دیویی
بشیریه، ۱۳۹۲	توانایی‌های اجتماعی / سازمان‌های مردم‌نهاد / تمرکززدایی	کثرت‌گرایی در دموکراسی	هارولد لاسکی ^{۱۲}
بشیریه، ۱۳۹۲	آموزش / مسئولیت‌پذیری / تمرکززدایی	پیشرفت علم و دموکراسی	هارولد لاسول ^{۱۳}
پوپر، ۱۳۸۰	مرتبط ساختن آزادی و حقیقت به عنوان موجودیتی ذهنی / انکار عوامل از پیش تعیین‌شده / نگاه انتقادی / آزادی توأم با مسئولیت	جامعه‌باز	کارل پوپر
Jahanbegloo, 2007	کثرت‌گرایی / تنوع فرهنگی / همزیستی مسالمت‌آمیز / ارج نهادن به عقاید متفاوت	نقد لیبرالیسم قرن ۱۸ میلادی	آیزایا برلین
هابرماس، ۱۳۹۱؛ Habermas, 2001	قوانین عقلانی / آزادی و برابری / فهم مشترک میان اقدامات جمعی / ارتباطات جمعی / شهروند جهانی	عقلانیت ارتباطی	یورگن هابرماس

بر قدرت دولت-ملت و دارای ارتباطات اجتماعی-سیاسی نئولیبرال و کاپیتالیستی صورت گرفته است. بسیاری به دنبال استدلال نظری و نظریه‌پردازی مفهوم حق به شهر براساس ارزش‌های حال حاضر بوده و بسیاری نیز به دنبال بازتعریف مفهوم عدالت شهری و فضایی در بستری متکی بر تنوع، عقلانیت ارتباطی و دموکراسی مشورتی هستند.

در تکمیل دیدگاه لوفور، ماهیت این تلاش‌ها براساس حق به شهر جهانی و عدالت شهری و بر پایه باهمستان‌های اجتماعی و سیاسی تشخیص‌یافته حاوی انواع جنسیت‌ها، قومیت‌ها و نژادها تعریف شده است و همین‌طور با تکیه بر مؤلفه‌های حق به تخصیص و استفاده از فضاهای شهری جهانی و همچنین حق به مشارکت در بازتولید آنها معنا می‌یابد (Purcell, 2003; Soja, 2010; Fainstein, 2014)؛ بنابراین، امروزه مفهوم حق به شهر می‌تواند به وسیله برابری، مشارکت، قابلیت دسترسی، قابلیت بهره‌برداری، همه‌شمولی و در نهایت دموکراسی مشارکتی و مشورتی در مقیاس جهانی تفهیم شود. می‌توان تجمیعی از نظریات مرتبط با مفهوم حق به شهر و عدالت شهری را در قالب **جدول ۲** مشاهده نمود.

• مفاهیم دموکراتیک و مشارکتی در گرایش‌های شهری
در ابتدا بایستی بیان شود که فرایند نگرش به مفاهیمی نظیر مشارکت شهروندی، مسئولیت‌پذیری عمومی، دموکراسی مشورتی و مداخله‌ذی‌نفعان در ممارست‌های شهری، در طی سال‌های متممادی در کشورهای توسعه‌یافته دائماً در حال تکامل بوده است. به عقیده رین مانتیسالو این فرایند شامل پنج نظریه است (Mäntysalo, 2004) که در **جدول ۳** تشریح می‌شود. همین‌طور از نقطه‌نظر تاریخی، می‌توان مفاهیم و مضامین دموکراتیک شهری را در بسیاری از موارد نظری همچون

و فقدان آزادی بیان، عقیده، انتخاب و مذهب رنج می‌برند. این مسئله جوامع شهری را نیز از پیشرفت بازمی‌دارد؛ بنابراین، قابل فهم است که امر دموکراسی باید ارتباط تنگاتنگی با اخلاق، آموزش، ارتباط، شهرنشینی و همبستگی اجتماعی داشته باشد تا به تعاملات آزاد و مشارکت بینجامد. مضاف بر این، بروز این کیفیات عملاً نیازمند یک جامعه مدنی درخور دموکراسی مشارکتی است و به شرایط فرهنگی و اعتقادات عمومی و اعتماد (به مثابه طریقه ایجاد روابط انسان‌دوستانه) نیز وابسته است (Lerner, 1958).

• عدالت شهری و حق به شهر

به بیان جان رالز^{۱۴}، هدف عملی عدالت، مهیانبودن بنیانی فلسفی و اخلاقی برای نهادهای دموکراتیک و پاسخ به سؤال چگونگی درک مطالبه آزادی و برابری است (Rawls, 2001, 2). دو مفهوم عدالت و حق به شهر^{۱۵}، به عنوان بنیان‌های اکتساب حقوق شهروندی و مشارکت و مداخله در خلق کلیت فضای شهری، به‌موازات هم می‌توانند مسیر نیل به دموکراسی شهری را هموار سازند. هانری لوفور با معرفی مفهوم حق به شهر در سال ۱۹۶۷ میلادی، ارزش‌های دموکراتیک و انسانی را تنها برای شهروندان رسمی یک دیار مورد تأکید قرار داد. از دیدگاه وی همواره باید امکان بازتولید فضاهای شهری متباین و متفاوت اجتماعی از طریق تقویت ابعاد اجتماعی-فضایی یکپارچه این فضاها و به‌دور از جنبه‌های مبادله‌ای تحت تأثیر دولت سرمایه‌داری فراهم شود؛ در واقع باید رویکردی اتخاذ شود که به‌دور از انحصارطلبی و اقتدارگرایی، امکان تولید و توسعه مدیریت فضا توسط شهروندان را با تأکید بر ارزش اجتماعی و همگانی آن ممکن سازد (Lefebvre, 1991; 1996). اخیراً انتقادات بسیاری از شهروندمداری لیبرال دموکراتیک مبتنی

چشمان ناظر بر خیابان (Jacobs, 1961)، اصل شخص ثانی (بیکن، ۱۳۹۱)، کولاژ شهر (Rowe & Koetter, 1978)، محیط‌های پاسخ‌ده (بنتلی، الک، مورین، مک‌کلین و اسمیت، ۱۳۹۱) و غیره

جدول ۲. مفاهیم عدالت شهری و حق به شهر از دیدگاه اندیشمندان مختلف. مأخذ: نگارندگان.

منابع	نکات کلیدی	ماهیت نظریه	نظر به پرداز
Lefebvre, 1991; 1996	حق به تخصیص و استفاده از فضا به دور از ارزش‌های کاپیتالیستی/ حق به زندگی و استفاده از مکان‌ها برای ملاقات و تعامل اجتماعی/ ایجاد روحیه اجتماعی در فضا و حق به مشارکت در امر بازتولید فضایی/ نقض ماهیت مبادله‌ای و سرمایه‌ای فضا/ تأکید بر نهادهای اجتماعی	حق به شهر	هانری لوفور
هاروی و مریفیلد، ۱۳۹۲ Fainstein, 2014	مشارکت شهروندی/ حفظ حقوق قشر کم‌درآمد/ تساوی در بهره‌وری از فضاهای عمومی و خصوصی/ لزوم تفهیم متقابل عدالت اجتماعی و شهرسازی	عدالت اجتماعی و حق به شهر	هاروی و مریفیلد
Mitchell, 2003	فضاهای عمومی محلی برای استیفای حق به شهر و عدالت اجتماعی/ حق به مشارکت مستقیم اجتماعی در خلق فضا/ فضا به عنوان عرصه ظهور دموکراسی	عدالت اجتماعی و حق به شهر	دون میشل ^{۱۶}
MirafTAB, 2012	ساختارزدایی فرضیه وحدت حقوق و عدالت/ تأکید بر فرم‌های حقوقی جمعی مبتنی بر گروه‌های اجتماعی خوداتکا و خودانگیخته/ تأکید بر ارتباطات اجتماعی متکی بر حس هویت مشترک/ تأکید بر عوامل هویتی مانند قشر، جنسیت و ارتباطات فرهنگی	عدالت اجتماعی	آیریس یانگ ^{۱۷}
Soja, 1996, 2010	برابری، عدالت اجتماعی و آزادی در دسترسی به حقوق انسانی و امکانات موجود در فضا/ ادراک حق به شهر به عنوان ابزاری برای دستیابی به برابری مادی و احترام به مردم در موقعیت‌های مختلف	عدالت فضایی	ادوارد سوجا ^{۱۸}
Fainstein, 2014	تأکید بر تنوع، عقلانیت ارتباطی مبتنی بر دموکراسی مشورتی و همین‌طور عدالت فضایی برای بروز عدالت شهری	عدالت شهری	سوزان فاینشتاین ^{۱۹}
Purcell, 2002, 2003, 2013	نقد شهروندمداری نئولیبرال و کاپیتالیستی/ تعریف مفهوم شهروند براساس استفاده از فضا و نه مالکیت/ تعریف حق به شهر براساس انواع جنسیت‌ها، قومیت‌ها، نژادها و محیط‌ها/ تأکید بر حق مشارکت، تخصیص و استفاده جهانی از فضاهای شهری	حق به شهر جهانی	مارک پورسل ^{۲۰}
Griffin et al., 2015	ده اصل برابری، انتخاب، دسترسی، اتصال، مالکیت، تنوع، مشارکت، مشمولیت و تعلق، زیبایی و نوآوری خلاقانه به عنوان اصول بهبودبخش عدالت شهری	عدالت شهری	تونی گریفین ^{۲۱} و همکاران

جدول ۳. سیر تکاملی نگرش‌های دموکراتیک و مشارکتی در برنامه‌ریزی شهری. مأخذ: نگارندگان.

نکات کلیدی	ماهیت	نظریه
تفکیک ناظر از مشاهدات - برنامه‌ریز به عنوان ناظری خنثی نسبت به زندگی و امور شهری	برنامه‌ریز به عنوان تصمیم‌گیرنده تام‌الاختیار	برنامه‌ریزی جامع خردگرا
برنامه‌ریز به عنوان مسئول کمک به توسعه آتی جامعه - برنامه‌ریز به عنوان وکیل دولت محلی و سایر گروه‌های ذی‌نفع درگیر در فرایند سیاسی برنامه‌ریزی	برنامه‌ریز به عنوان متصرف و وکیل	برنامه‌ریزی وکالتی (مطرح‌شده توسط پاول دیویدف)
عنوان دیگر این نظریه تعدیل مشترک جانب‌دارانه بود که اگرچه سعی در اتخاذ نگاهی منصفانه داشت اما بر ارزش‌های صاحبان قدرت تکیه نمود. - ایجاد مصالحه بین تقاضاهای متعارض گروه‌های متفاوت، از طریق ایجاد رقابت، مذاکره و چانه‌زدن در دو مقیاس بلندمدت و کوتاه‌مدت	در نظر گرفتن تمامی عقاید ذی‌نفعان در یک فرایند محافظه‌کارانه	برنامه‌ریزی تدریجی (مبتنی بر نظریه لیندبلوم ^{۲۲})
در دیدگاه این بخش، ابهام موجود در بعد سیاسی و فقدان اطلاعات و قضاوت‌های کارآمد به عنوان بزرگ‌ترین مشکل رویه‌های پیشین تلقی می‌شد. - تکیه بر فهم متقابل و توافق عمومی به جای موفقیت مبتنی بر منافع شخصی	تمرکز بر احترام به جایگاه تمامی افراد درگیر	برنامه‌ریزی ارتباطی؛ تمرکز بر توافق عمومی (متأثر از تئوری کنش ارتباطی هابرماس)
نقد نظریه پیشین توسط میشل فوکو و تشبیه عامل قدرت نه به عنوان یک تحریف بیرونی بلکه به عنوان سبب‌ساز تعیین ادراک فردی و مراودات ارتباطی - پیشنهاد این نظریه به عنوان یک فرایند مشترک تفسیری و معنادار میان شرکت‌کنندگان در محاورات عملی در ضدیت با مفهوم تغییرناپذیر فضای زندگی هابرماس - حصول به مدیریت تعارضات در جهت دستیابی به یک افق مشترک و متقابل در برنامه‌ریزی و طراحی کثرت‌گرا و چندفرهنگی	حل مسئله به واسطه برنامه‌ریزی و طراحی کثرت‌گرا	برنامه‌ریزی ارتباطی؛ مدیریت تعارضات

شهری، اغلب در تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی، طراحی، اجرا، بهره‌برداری، تعمیر و نگهداری عناصر مهم محیط شهری، از جمله مسجد، آب‌انبار، بازارچه و فضاهای عمومی، مستقیماً مداخله داشتند. البته گرچه این موضوع به دلیل نبود قوانین کنترل‌کننده، گاهی سبب ایجاد هرج‌ومرج شهری می‌شد، اما امروزه متأسفانه حتی در همین حد هم به مداخله مردمی در پروژه‌های شهری بها داده نمی‌شود.

• برنامه‌های جامع شهری؛ آغاز برنامه‌ریزی و طراحی شهری مدرن در ایران

برنامه‌های جامع شهری در سال ۱۳۴۷ ه.ش. به روند شهرسازی ایران وارد و تا به امروز در آن اعمال شده‌اند. ماقبل این، حتی یک فرایند نظام‌مند برنامه‌ریزی و طراحی شهری نیز در ایران وجود نداشت. با این حال، این‌گونه برنامه‌ها هرگز همخوانی مناسبی با ماهیت نظام‌های شهری کشور ایران نداشته‌اند (بهزادفر، ۱۳۹۲؛ Maghsoodi Tilaki, Azizi, Aldrin, & He-dayati Marzbali, 2014). در واقع، شهرهای ایرانی تفاوت‌های متعددی با شهرهای اروپایی دارند. شهر اروپایی دارای ماهیتی درون‌گراست؛ اجتماع، کالبد و مدیریت آن، رابطه‌ای تنگاتنگ با سایر عناصر آن دارد و حاکمیت، قدرت و اقتدار تابع مردم است. در حالی که شهر ایرانی ماهیتی برون‌گرا دارد، تغییرات در آن صوری و تقلیدی است و شهر بر اراده دولت متکی است (کامرو، ۱۳۹۲). امروزه ناکارآمدی این‌گونه برنامه‌ها (همچون اقداماتی تمامیت‌خواهانه و تمرکزگرا)، به دلیل عدم حمایت از انعطاف‌پذیری، مشارکت اجتماعی، مداخله عمومی، زندگی اجتماعی و زمینه‌های محلی کاملاً اثبات شده است.

• **برنامه‌های استراتژیک شهری به‌عنوان جایگزین؛ تکرار تاریخ**
گرچه برنامه‌های استراتژیک شهری در اوایل دهه ۷۰ میلادی در کشور آمریکا متداول بودند، اما با وقفه‌ای سی‌ساله وارد برنامه‌ریزی و طراحی شهری ایران شدند. درون‌مایه این برنامه‌ها دموکراسی و همچنین خرد جمعی، عدالت اجتماعی، ارزش‌های محلی و مشارکت عمومی بود (پیرزاده، ۱۳۸۷). اولین برنامه استراتژیک در کشور ایران برای شهر تهران در سال ۱۳۸۶ ه.ش. تهیه شد (بهزادفر، ۱۳۹۲). گرچه متخصصین شهری امیدوار بودند که این برنامه‌ها بتوانند مشکلات شهری را حل کنند، اما به دلیل نقش کم‌رنگ جامعه مدنی و ضعف در آموزش و اطلاع‌رسانی عمومی، اجرای آنها با موانع متعددی مواجه شد؛ چراکه هیچ نقش و جایگاه و وظیفه‌ای در هیچ مرحله‌ای از این برنامه‌ها به مردم اختصاص داده نشده بود. این در حالی است که در کشورهای غربی، مرحله شروع و نیل به نتایج اجرایی مشخصاً توسط جلسات متعدد و گفت‌وگو دوجانبه بین مردم و مسئولان هدایت می‌شود. با این وجود، برنامه‌های استراتژیک، بدون تأمین زیرساخت‌های موردنیاز، در نظام شهرسازی ایران همچنان در حال اجرا هستند.

فعال در مدیریت و خلق و استفاده از محیط شهری درگیر شوند، عملکرد محیط بهبود می‌یابد. شهر و شهروندان همواره اثرات مشترک متقابلی دارند؛ بنابراین، هر شهروند، خواه به صورت کارآمد و یا ناکارآمد، از طریق جامعه به شهر شخصیت می‌بخشد. پس همواره نیاز به نوع کارآمد برنامه‌ریزی و طراحی شهری دموکراتیک، در طیفی از بنیان‌های حیاتی و اساسی در جامعه شهری، محسوس بوده است؛ روندی که ارتباط تنگاتنگی با برنامه‌ریزی مشارکتی، طراحی شهروندگرا و رویداد برنامه‌ریزی اجتماعی دارد و مشخصاً در خور سطح قابل قبولی از مسئولیت‌پذیری، خودهدایت‌گری و خودقانون‌گذاری است که می‌تواند کیفیت زیست‌پذیری را ارتقا بخشد (Wates, 2008). تمامی این موارد، به مفهوم کثرت‌گرایی بازمی‌گردند که به عنوان نقطه مقابل تمامیت‌خواهی شناخته می‌شود (Hamdi, 2004, 107). اصلی‌ترین نظریات مرتبط با مفهوم دموکراسی در امور وابسته به شهرسازی را می‌توان در جدول ۴ مشاهده نمود.

روش‌شناسی

روش تحقیق در این مقاله از نوع تحلیل محتوا و مقایسه‌ای است، که در آن ضمن مطالعه ارکان نظام دموکراتیک، نحوه مداخله مردم در تهیه و تدوین و تصویب و اجرای برنامه‌ها و طرح‌های توسعه شهری در ایران نیز بیان شده و مورد ارزیابی قرار گرفته است. به عبارتی دیگر رویکرد غالب این مقاله، استفاده از اصول و مفاهیم مطرح در نظریه انتقادی است؛ بدین شکل که سعی شده است یافته‌ها و راهکارهای پیشنهادی مقاله حاضر برآمدی از نقد وضع موجود برنامه‌ها و پروژه‌های شهری کشور ایران باشد. لازم به ذکر است که این مقاله از ایدئولوژی‌های سیاسی و شخصی برخی از صاحب‌نظران تئوری انتقادی همچون جانب‌داران ایدئولوژی مارکسیسم تبعیت نمی‌کند. همین‌طور اطلاعات مورد نیاز نیز از طریق مطالعه اسناد و مدارک و نیز مصاحبه با مردم و مشاهدات میدانی جمع‌آوری شده است. در واقع، مقاله حاضر در صدد استدلال نظری فرآیند حصول به مشارکت و دموکراسی در امور شهری است تا درصد اتکای برنامه‌ها و پروژه‌های شهری ایران بر نظرات عموم مردم بتواند تا حد چشمگیری در دو مقیاس بزرگ و کوچک افزایش یابد.

برنامه‌های شهری ناکارآمد بلندمدت و بزرگ‌مقیاس در ایران

براساس آنچه تاریخ و متون علمی گذشته کشورمان نشان می‌دهد، نظام اداره و توسعه محلات شهری ایران در زمان‌های قدیم بسیار به استانداردهای دموکراسی شهری در جهان امروز نزدیک‌تر بوده است. چنانکه مردم ساکن در محلات

جدول ۴. معیارهای شهری دارای ماهیت دموکراتیک. مأخذ: نگارندگان.

منابع	پیامدهای ارزشمند	معیارهای مرتبط	نظریه	نظریه پرداز
لینچ، ۱۳۹۰	تداوم فرهنگی/ پویایی/ پایداری/ توازن محیطی/ تغییرپذیری	سرزندگی/ تناسب/ دسترسی/ کنترل/ کارایی/ عدالت	شکل خوب شهر	کوین لینچ
Appleyard, 1979	طراحی و برنامه‌ریزی میان‌رشته‌ای/ اقدامات مشارکتی و کثرت‌گرا	مردم‌گرایی/ عمومیت/ تعامل‌گرایی/ امکان‌گرایی	برنامه‌ریزی شهر کثرت‌گرا	دانلد اپلیارد
Jacobs & Appleyard, 1982	خلق مکان همه‌شمول و حامی نیازهای بیولوژیک/ آسایش شهری/ مشارکت، حضور و تعامل شهروندان/ بروز مسئولیت‌پذیری و حس این‌همانی	زیست‌پذیری/ هویت و کنترل/ دسترسی به فرصت‌ها و تخیل و شادی/ اصالت و معنا/ زندگی اجتماعی و همگانی/ خوداتکایی شهری/ محیطی برای همه	مانیفست جامع طراحی شهری	جیکوبز و اپلیارد
Francis, 1987	افزایش نفوذپذیری/ کثرت‌گرایی و همه‌شمولی/ انعطاف‌پذیری و مشارکت جمعی/ پایداری محیطی	دسترسی ایمن و آزاد/ تنوع/ قابلیت مداخله و تغییر/ امنیت و سلامت زیست‌محیطی	خیابان‌های دموکراتیک	مارک فرانسیس
تیبالدز، ۱۳۸۷	نیل به ارزش‌های انسانی/ پایداری کالبدی و اجتماعی	کاربری‌ها و فعالیت‌های مختلط/ مقیاس انسانی/ آزادی عابر پیاده/ دسترسی برای همه/ طرح‌های خوانا/ محیط‌های ماندگار/ مدیریت تغییرات	ساخت شهرهای مردم دوستانه	فرانسیس تیبالدز
Haughton & Hunter, 2005	بروز آزادی و حق انتخاب/ دسترسی به امکانات شهری/ حضورپذیری در فضاهای باز/ کارایی محیطی/ زمینه‌گرایی/ تغییرپذیری/ پویایی	تنوع/ تمرکز جمعیتی/ دموکراسی/ نفوذپذیری/ امنیت/ مقیاس مناسب/ طراحی ارگانیک/ اقتصاد مناسب/ روابط خلاقانه/ انعطاف‌پذیری/ مشورت و مشارکت استفاده‌کنندگان	شهرهای پایدار	هاتن و هانتز
حبیبی، ۱۳۷۸	تبادل گفتمان/ ارتباطات اجتماعی/ اجماع نظرات متفاوت	کثرت‌گرایی/ قانون‌مندی/ ارتباط/ مشارکت	جامعه مدنی و حیات شهری	محسن حبیبی
Brain, 2006	کثرت‌گرایی/ پویایی/ تغییرپذیری و خوانایی/ زمینه‌گرایی	اختلاط و تعادل/ وضوح و انعطاف‌پذیری/ طراحی بر پایه ارزش‌های طبیعی	طراحی کالبدی و دموکراسی	دیوید برین
بهرادفر و محمودی کردستانی، ۱۳۸۸ Mahmoudi Kurdistani et al., 2012	پایداری و پاسخ‌دهندگی محیطی	مدیریت شهری کارآمد/ رفاه محیطی/ مشارکت در خلق و بهره‌مندی از فضا/ دسترسی برای همه/ آزادی حرکت در فضا	طراحی شهری مردم‌مدار	بهرادفر و محمودی کردستانی؛ محمودی کردستانی و همکاران
Sanoff, 2007; 2008; 2010	تفہیم امر مشارکت به عنوان یک ارزش آموزشی و حیاتی/ مداخله و اطلاع‌رسانی عمومی	دموکراسی مشارکتی و مشورتی در امور طراحی/ تعامل غیرمنفعل	طراحی دموکراتیک و مشارکتی	هنری سانوف ^{۲۳}
Wates, 2000; 2008	همکاری عمومی در تهیه برنامه‌های محلی/ برنامه‌ریزی و طراحی شهری مشارکتی/ خلق دیدگاه‌های مشترک/ پرورش بنیان و ساختار جمعی/ آگاهی عمومی	شفافیت/ صداقت/ ارتباط/ انعطاف‌پذیری/ مداخله همه‌شمول/ زمینه‌گرایی اجتماعی- فرهنگی و غیره	رویدادهای برنامه‌ریزی اجتماعی	نیک ویتنس ^{۲۴}
Hamdi, 2004; 2010	تعاملات سازمان‌یافته شهری/ بروز خودسازماندهی و خودیاری به عنوان عوامل ایجاد مهم‌ترین تغییرات	برابری و کارایی در اعمال مشارکتی/ پروژه‌های انسان‌گرا/ برنامه‌ریزی اقدام‌محور/ تولید همکارانه/ طراحی همکارانه	اقدامات اجتماعی	نبیل حمدی ^{۲۵}

تعاملات اجتماعی و نیازهای احساسی ساکنین در این پروژه‌ها به طور واضحی اهمال شده است (تصویر ۱).

به طرز مشابهی، پروژه نواب نیز می‌تواند به مثابه نمونه‌ای دیگر از طرح‌های شهری ناکارآمد و نافی پایداری اجتماعی باهمستان‌ها تلقی شود. بسیاری بزرگراه نواب را همچون جراحی بر پیکره شهر تهران برمی‌شمارند. در این پروژه، پیش‌زمینه تاریخی و تعاملات اجتماعی موجود در بافت مسکونی پیرامونی، به واسطه قدرت انحصارطلبانه شهردار و متخصصین شهری کاملاً نابود شده است. یکی از اهداف اصلی این پروژه، استفاده از ارزش افزوده ناشی از اجرای طرح برای بهبود کیفیت حیات جمعی در این باهمستان بود؛ در حالی که با توجه به تصویر ۲، ساخت این بزرگراه، بافت پیرامونی و اجتماع محلی را به دو بخش مجزا و با حداقل ارتباطات اجتماعی تفکیک کرده است (کامروا، ۱۳۹۲؛ Bahrainy & Aminzadeh, 2007). اکنون می‌توان با توجه به تصویر ۳ به بسیاری از معضلات این محدوده پی برد؛ این محدوده شدیداً از فقدان سرزندگی، امنیت و هویت و همچنین از پتانسیل ضعیف محلی، نبود علاقه محلی و حیات جمعی، زمینه‌های نامرتب محیطی و اجتماعی و همین‌طور ماهیت غیرانسانی رنج می‌برد. در واقع، اگرچه مسئولین می‌توانستند پیش از ایجاد این مجموعه از نظرات جامعه‌شناسان و کارشناسان محیطی بهره ببرند، اما هرگز این کار را نکردند. این امر به دلیل نظام مدیریتی بالا به پایینی است که در آن مشروعیت نظام مدیریت شهری نیز تنها با اتکا به قدرت شکل می‌گیرد و لذا پاسخگویی فقط در برابر مقامات ارشد صورت می‌گیرد و حقوق مردم در مقیاس زیرین نفی می‌شود. بنا به گفته افراد محلی، آنها از آلودگی و فرسودگی کالبدی و نبود نفوذپذیری فیزیکی ناشی از سیاست‌های اشتباه و نبود مداخله و مشارکت عمومی مضطرب هستند. از طرفی، ساکنین قدیمی‌تر این محله

پروژه‌های شهری کوتاه‌مدت و میان‌مدت موضوعی و موضوعی در ایران

• محله و سکونت: مسکن مهر و پروژه نواب همچون نمادهایی از عدم انعطاف‌پذیری، بی‌هویتی و گسست اجتماعی شهرهای ما باید سکونتگاه‌هایی در خور دموکراسی و پایداری اجتماعی برای شهروندان فراهم کنند. در حالی که بدون شک، در بسیاری از موارد اجتماعات محلی ما، به واسطه فقدان ارزش‌های دموکراتیک و اصول حیاتی مربوط به مسئله مسکن، در حال زوال هستند. بدین‌سان، نمونه‌های فاجعه‌بار بسیاری همچون مسکن مهر و پروژه بزرگراه نواب بر ناکارآمدی سیاست‌های شهری ایران صحنه می‌گذارند. از سال ۱۳۸۶ ه.ش.، پروژه‌های محدودی در ارتباط با ساخت مسکن اجتماعی برای طبقه متوسط و کم‌درآمد ایرانی اجرا شده است. این پروژه‌ها به دنبال تحقق اهدافی همچون کاهش قیمت زمین، جلوگیری از پراکنده‌روی و حاشیه‌نشینی و ارتقای عدالت اجتماعی و کیفیت‌های محیطی بودند که هیچ یک از آنها عملی نشد (خلیلی، نورالهی، رشیدی و رحمانی، ۱۳۹۳، ۸۴). در واقع مجتمع‌های مهر، اغلب در حومه و در اشکال غیرمنعطف و تنها با تأکید بر کاربری مسکونی ساخته می‌شوند. ماهیت این پروژه‌ها عوام‌گرایانه است و مسئولین با صرف‌نظر از تصمیم‌گیری عمومی و مسئله عدالت، تنها از مشارکت و حمایت مالی مردم سوءاستفاده می‌کنند. این‌گونه پروژه‌ها کمترین تناسب و انطباق را با سایر برنامه‌ها و پروژه‌های شهری دارند و همچنین بر بازار مسکن اثر سوء می‌گذارند؛ در واقع در پس پرده این پروژه‌ها، مطالعات اجتماعی و اقتصادی مناسب و بسنده‌ای صورت نمی‌گیرد (Barzegaran & Daroudi, 2015). پس از مصاحبه با افراد محلی، آنها از نبود جذابیت و خدمات و هویت محیطی مناسب شکایت کردند. همچنین در زمینه حیات جمعی،



تصویر ۲. گسست فضایی شکل‌گرفته به واسطه احداث پروژه بزرگراه نواب. مأخذ: www.mashreghnews.ir



تصویر ۱. مجتمع مسکونی مهر همچون تجمعی از آجر و پنجره. مأخذ: آرشیو نگارندگان.



تصویر ۳. بزرگراه نواب به عنوان یک طرح کاملاً تمامیت‌خواه. مأخذ: آرشیونگارانگان.

شهروندان را نادیده می‌انگارد (شماعی، فخری پور محمدی، زنگانه و پریزادی، ۱۳۹۵). مصاحبه‌های عمومی نشان از آن دارد که ساختار این زیرگذر سبب آزدگی و سردرگمی شده است. همچون سایر نمونه‌های مطالعاتی، مردم ذکر کردند که در صورت اعطای حق به شکایت عمومی، به طور حتم مخالفت خود را با این پروژه اعلام می‌کردند. در واقع تعارض موجود در ذهنیت مردم نسبت به عناصر و فضاهای شهری ساخته‌شده، نشانه‌ای از فقدان دانش لازم و نیز تضاد خواسته‌ها و نیازهای مردم با این عناصر و فضاهاست.

• پیاده‌راه‌ها و پیاده‌روها؛ پروژه صدر به عنوان نمادی از بی‌اعتنایی به عابران پیاده

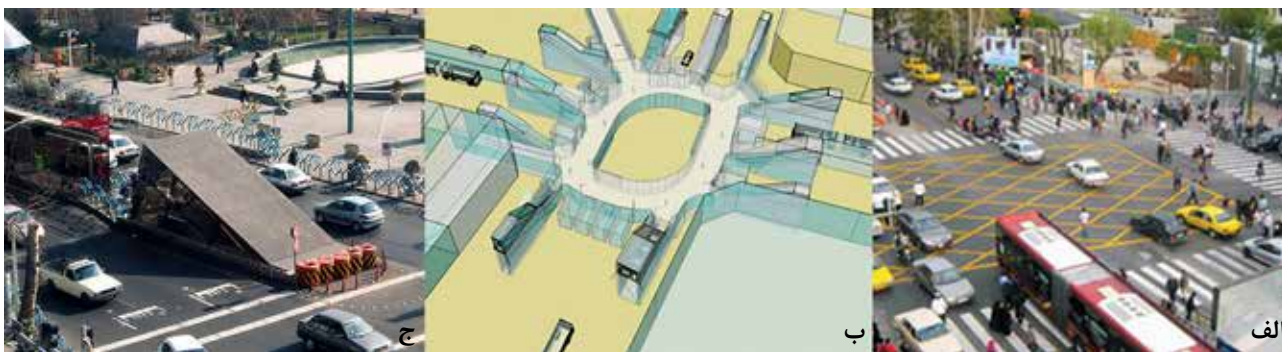
پیاده‌روها، خیابان‌های اجتماعی و پیاده‌راه‌ها بسترهای بالقوه‌ای برای تصدیق دموکراسی شهری و مطالبه مجدد حق به شهر هستند. متأسفانه در اقدامات شهری اخیر کشور ایران، بخش عمده‌ای از توجه مسئولین تنها به دسترسی وسایل نقلیه موتوری معطوف بوده و کیفیت نفوذپذیری از عابران پیاده سلب شده است (تصاویر ۶ و ۷). البته به دلیل نیازهای حرکتی در حال رشد وسایل نقلیه، مسئولین ناچار هستند بر روی طراحی مجدد فلکه‌ها، بلوارها، زیرگذرها

نیز از حق به شکایت حقوقی خود صحبت کردند که هرگز برای بازتاب ناراضی‌شان از ساخت این بزرگراه به آنها اعطا نشده است. در واقع علت این امر کاملاً روشن است، چراکه در فقدان عناصر حقوقی و ارتباطات شهروندی و نیز نبود فرهنگ نقد و اعتراض و همین‌طور نادیده‌انگاشتن قوانین شهری، از یک سو، دست مدیران برای تخلف در اداره شهرها باز است، و از سوی دیگر، حق اعتراض نسبت به این‌گونه تصمیم‌ها از شهروندان سلب می‌شود.

• گره‌های شهری اجتماعی؛ زیرگذر عابر پیاده ولی عصر به عنوان پروژه‌های غیرانسانی و غیرهمه‌شمول

چهارراه ولی عصر محل تلاقی دو خیابان تاریخی (انقلاب و ولی عصر) شهر تهران است. قبل از احداث زیرگذر عابر پیاده، این چهارراه مکانی ارزشمند برای گردهمایی‌های اجتماعی محسوب می‌شد و همچون یک گره اجتماعی کارآمد ایفای نقش می‌کرد. بنا بر مشکلات ترافیکی در حال رشد منبعت از تردد وسایل نقلیه شخصی و عابران پیاده و همین‌طور حمل و نقل عمومی، متخصصین شهری تصمیم گرفتند تا در این چهارراه زیرگذری مختص عابران پیاده احداث کنند تا شرایط ایمن و امنی را در امور ترافیکی فراهم آورند. متأسفانه، آنها بدون توجه به نظرات شهروندان، عابران پیاده و وسایل نقلیه را کاملاً از هم تفکیک کرده و زمینه اجتماعی قدرتمند موجود در این چهارراه را از بین بردند (توکلی‌نیا، رئیسی و آقایی، ۱۳۹۴) (تصویر ۴).

این پروژه دسترسی عمومی به فضاهای باز پیرامونی را تضعیف کرده است. اغلب شهروندان علاقه چندانی به عبور از این زیرگذر ندارند و این مسئله علاوه بر تحمیل معضلات ترافیکی، ایمنی عابران پیاده را نیز به مخاطره می‌اندازد (تصویر ۵). این زیرگذر به‌واسطه هدایت گروه‌های مختلف اجتماعی از جمله سالمندان و ناتوانان به زیر زمین توسط هشت ورودی و خروجی دارای پله برقی، به مکانی غیرهمه‌شمول و غیرانسانی بدل شده است. همچنین، طرح غیرمنعطف این پروژه، خوانایی را تضعیف می‌کند و مسئله احترام به



تصویر ۴. چهارراه ولی عصر: (الف) وضعیت چهارراه پیش از احداث زیرگذر؛ (ب) طرح گرافیکی سه‌بعدی از زیرگذر عابر پیاده پیشنهادی؛ (ج) ورودی زیرگذر عابر پیاده به سطح زیرین. مأخذ: www.isna.ir و www.meidaan.com

برآورده‌ساختن نیازهای عابران پیاده طراحی می‌شوند، به مرور زمان ماهیت همه‌شمول و انسانی خود را از دست می‌دهند. علاوه بر این، در مصاحبه‌ها، شهروندان از آلودگی صوتی و هوا، عدم آسایش و ازدحام وسایل نقلیه در محدوده بزرگراه دوطبقه صدر و پیرامون آن شکایت کردند. اگرچه می‌توان گفت که این پروژه به دست شورای شهر منتخب مردمی محقق شده است و مردم، در واقع، تاوان انتخاب خود را پس می‌دهند، اما باید دقت داشت که انتخابات صرف و فارغ از فرهنگ‌سازی و آموزش قوانین، تضمینی برای حمایت از معترضین محسوب نمی‌شود و نشانه تحقق دموکراسی نیست؛ همان‌طور که در کشورهای دیکتاتوری نیز انتخابات در مقیاس کشوری و شهری به‌کرات برگزار می‌شود. لذا در بسیاری از موارد، ماهیت پروژه به‌درستی نقش منفعل استفاده‌کنندگان از فضاهای شهری را به نمایش می‌گذارد.

روگذرها و بزرگراه‌ها متمرکز شوند. با این حال، این تمهیدات نمی‌تواند معضل بی‌نظمی ترافیکی را (به عنوان مشکلی غالب و شایع) در کلان‌شهرهای ما حل کند.

به عنوان مثال، پروژه صدر در شهر تهران یکی از نمونه‌هایی است که به‌وضوح به نمادی از معضل مذکور بدل شده است. شهردار تهران تصمیم گرفت تا طبقه‌ای دیگر بر روی بزرگراه صدر (به صورت یک روگذر) احداث نماید (تصویر ۸)؛ متأسفانه این پروژه بدون در نظر گرفتن ترجیحات شهروندان و ارزش‌های انسانی طی رویه‌ای فن‌سالارانه به اجرا درآمد. این تصمیم نه‌تنها حلال مشکلات ترافیکی نبوده، بلکه حتی دموکراسی شهری و دخالت‌های مدنی را نیز زیر سؤال برده است. در واقع اقدامات شهری بی‌شک باید جهت‌گیری پیاده‌مدارانه داشته باشند تا به نوعی بر دموکراسی شهری تأکید شود. همچنین، آن دسته از پروژه‌های انگشت‌شمار کشورمان هم که در راستای



تصویر ۶. نمونه‌ای از ساختار غیرهمه‌شمول پیاده‌رو با شیب زیاد، عرض کم و کف‌سازی نامناسب. مأخذ: آرشیو نگارندگان.



تصویر ۵. عدم تمایل به استفاده از زیرگذر. مأخذ: www.isna.ir



تصویر ۸. ساختار غیرانسانی، آبرسازهای و فن‌سالارانه بزرگراه دوطبقه صدر. مأخذ: آرشیو نگارندگان.



تصویر ۷. نقض حقوق افراد ناتوان جسمی به واسطه ساختار پلکانی غیرهمه‌شمول. مأخذ: آرشیو نگارندگان.

پُرنگ کردن چشم‌اندازی انسان‌گرا برای نظام شهرسازی کشور ایران نمایان و مسیر حرکت به سوی این دیدگاه را هموارتر کنند. معیارهای پیشنهادی برای تحقق نظام فوق‌الذکر در ادامه مورد بحث قرار گرفته است:

• توجه به ذهنیت شهروندان

بهره‌مندی از روش‌های گوناگون مداخله شهروندی مستلزم مشارکت افراد متفاوت و دارای طرز فکرهای گوناگون است. به عنوان یک متخصص شهری، وظیفه ما در نظر گرفتن ادراکات شهروندان و رفتارهای آنان در محیط‌های شهری است. پس از این، تحلیل نتایج می‌تواند میزان پاسخ‌دهی طرح‌هایمان به نیازهای مردم را به‌درستی بازگو کند. هر فرد، چه به عنوان یک شهروند عادی و چه به عنوان یک متخصص در حرفه‌های مرتبط، باید بتواند مستقیماً نظرات خود را به مدیران و برنامه‌ریزان شهری منتقل کند؛ بنابراین، در نظر گرفتن رفتارها و احتیاجات شهروندان موجب می‌شود موضوع کرامت فردی (ارج نهادن به ارزش یکایک انسان‌ها) نمایان شود. همه این مسائل، وضعیت مشارکت اجتماعی را در رویدادهای طراحی بهبود می‌بخشد و همین‌طور وابستگی به دولت و ارگان‌های دیگر را کاهش می‌دهند.

• تقویت حیات جمعی و گردهمایی‌های اجتماعی

فضا و اجتماع به طرز خاص و شگفت‌انگیزی به یکدیگر وابسته‌اند. طراحی فضا فارغ از بسترهای اجتماعی، سخت و تقریباً غیرممکن است. در واقع، فضای شهری زمینه‌ای برای بروز دموکراسی شهری، گذران حیات عمومی و روزمره و همچنین عرصه‌ای عمومی برای ظهور تعاملات اجتماعی-سیاسی است. این قلمروهای فضایی ارزشمند، مواردی هستند که برای تکریم کرامت فردی و خلق گفتمان، تعامل، سرزندگی، پویایی و غیره تعریف می‌شوند؛ لذا فضاهای شهری باید انسان‌گرا باشند و کیفیت‌های فضایی مناسبی را شامل شوند و عموم مردم را بپذیرند تا اجتماعات محلی و تجارب و تبادلات اجتماعی-فرهنگی متعدد امکان تحقق یابند.

• تشکیل نهادهای مدنی نیرومند در جهت تقویت امر آموزش و گفتمان شهروندی

نهادهای مدنی می‌توانند در قالب سازمان‌های گوناگون مردم‌نهاد و در ارتباط با مسائل شهری متفاوت شکل بگیرند. همان‌طور که از نام این سازمان‌ها نیز پیداست، آنها باید به طور مستقل از دولت و تنها با اتکا بر شهروندان در دو حوزه مدیریت و تأمین بودجه عمل نمایند و باید با همه متخصصین شهری ذی‌ربط ارتباط داشته باشند و نظرات تمامی طیف‌های اجتماعی را پوشش دهند. این نهادها موظف‌اند بر توسعه‌های شهری نظارت کنند و در قبال امر برنامه‌ریزی، طراحی شهری و همین‌طور نظارت بر تشکیلات مجری پروژه‌های شهری نیز مسئول باشند. نهایتاً، وجود این نهادها سبب تقویت حضور

یافته‌ها؛ معیارهای پیشنهادی برنامه‌ریزی و طراحی شهری دموکراتیک

امور شهری باید عرصه‌ای برای شکل‌گیری فضاهای عمومی تولید کنند و از تعاملات اجتماعی و گردهمایی‌های مدنی حمایت نمایند. این فضاها باید به کرامت فردی، قدرت گفتمان، مشارکت شهروندی و غیره ارج نهند تا سرانجام دستیابی به دموکراسی شهری ممکن شود (Brain, 2006; King, 2004). چنین رویکردی در طراحی و برنامه‌ریزی می‌تواند به عنوان راه‌کاری برای حفاظت و بهبود امور شهری و زیرشاخه‌های آن در نظر گرفته شود. حال پیش از بحث در مورد مجموعه معیارهای پیشنهادی، بهتر است معضلات اصلی مطرح‌شده در بخش پیشین، در مورد برنامه‌ها و پروژه‌های شهری ایران، به قرار ذیل جمع‌بندی شود:

- ماهیت غیرمنعطف، بی‌هویت، غیرزمینه‌گرا، غیرانسانی، غیرهمه‌شمول، تمامیت‌خواهانه و تمرکزگرای برنامه‌ها و پروژه‌های شهری؛
- نبود حق به شهر، شفافیت و عدالت اجتماعی در فرایندهای شهری؛

- ناپایداری در مفهوم واقعی امر شهروندی؛
- کمبود زیرساخت‌های اجتماعی نظیر سازمان‌های مردم‌نهاد که مداخله و مشارکت و تعامل شهروندی را در مراحل مختلف فرایندهای شهری همچون تصمیم‌گیری، اجرا و حفاظت تضعیف می‌کند؛
- غفلت از نیازهای جامعه و نظرات شهروندان در فرایندهای شهری؛

- نبود اعتماد و حس تعهد شهروندی به عنوان امری منتج از حذف مردم از رویه‌های برنامه‌ریزی و طراحی شهری؛
- دستگاه قضایی ضعیف شهری که منجر به نفی حقوق شهروندان در راستای بیان اعتراضات می‌شود؛
- عدم توجه به ماهیت میان‌رشته‌ای گرایش‌های شهری.

اکنون می‌توان به‌صراحت بیان کرد که تحقق دموکراسی در امور شهری نیازمند مشارکت آگاهانه، آزادانه و مستقیم مردمی (متخصص و غیرمتخصص) است که باید در روند تصمیم‌گیری و اداره امور شهری رعایت شود؛ این موضوع به عنوان یکی از نیازمندی‌های زندگی شهری، باید وابسته به مسئولیت‌پذیری شهروندان باشد و نه متکی بر اراده افراد منتخب (خادم‌الحسینی و عارفی‌پور، ۱۳۹۱؛ Brain, 2006). متأسفانه در کشور ما میان مسئله دموکراسی و امور فنی شهرسازی ارتباطی برقرار نیست؛ در حالی که کمیت و کیفیت عناصر ساخته‌شده خود سمبل سطح و میزان پذیرش دموکراسی واقعی از جانب مردم و مسئولین است. در حال حاضر، نیاز اساسی در این زمینه دستیابی به آن دسته از معیارهای دموکراتیکی است که بتوانند حد نهایی را جهت

• تعیین قوانین عمومی و مشروع شهری

قوانین شهری باید قابل اجرا، نافذ، واضح، عام و به دور از تبعیض باشند تا فرایندهای شهری را تسهیل و کنترل نمایند. مشخصاً، در نبود قوانین عقلانی، مردم شروع به استنتاج آنها از اسطوره‌ها و افسانه‌ها می‌کنند. قوانین باید متکی بر شرایط اجتماعی و نزد شهروندان مقبول باشند. در این صورت شهروندان قوانین را از آن خود می‌دانند و آنها را تأیید می‌کنند و این خودقانون‌گذاری به ارتقای وحدت اجتماعی، خودهدایتگری، وجدان و خودکنترلی می‌انجامد. این حس اجتماعی، تعاملات اجتماعی به همراه می‌آورد و اهمیت قوانین را دوچندان می‌کند، زیرا قوانین در زندگی شخصی معنای حقیقی ندارند و تنها در جامعه معنا می‌یابند؛ بنابراین، افزایش سطح مشارکت در بستری از دموکراسی مشورتی، موجب حاصل‌شدن تصمیمات بهتر و یک نظام مشروع‌تر می‌شود. علاوه بر محدودیت‌های قانونی، خودهدایتگری شهروندی نیز برای القای حس کنترل سرنوشت خویش لازم است. پایبندی به قوانین به وجدان شهروندی وابسته است و تحقق آن سبب ایجاد مسئولیت شهروندی و نظارت و مراقبت از محیط و فضاهای شهری می‌شود. در حقیقت، این قوانین شهری هستند که از خودهدایتگری همچون مسیر اهدای متقابل حقوق مدنی توسط شهروندان حمایت می‌کنند.

• صداقت با شهروندان

هر برنامه و یا طرح شهری باید به صورت باز و بی‌پرده در مورد ماهیت هر فعالیت و اقدام سخن بگوید. این مسئله وابسته به حضور طبقات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی مختلف در تمامی مقیاس‌های تصمیم‌گیری است. به عنوان مثال، مردم باید شناخت واضحی از مسائل اقتصادی در امور شهری داشته باشند، زیرا بودجه مورد نیاز امور شهری از مالیاتی که آنها پرداخت می‌کنند تأمین می‌شود.

• **تمهید برنامه‌ها و طرح‌های عقلانی، احساسی و استعلایی**
 فضاهای دموکراتیک باید بر تفکر، ادراک و تصور شهروندان اثر بگذارند و نافی کیفیات انسانی نباشند، زیرا انسان‌ها مستقیماً به واسطه عقل، احساس و تصور خود با فضا ارتباط برقرار می‌کنند. به گفته کانت، فرایند شناخت هرگز تنها وابسته به عقل و احساس یک فرد نیست، بلکه به صورت ترکیبی از این دو برای تک‌تک افراد نمود پیدا می‌کند؛ پدیده‌ای که وی از آن با عنوان شناخت استعلایی^{۲۸} یاد می‌کند. فضاهای شهری از طریق توجه هم‌زمان به عقل و احساس و تصور انسان‌ها، می‌توانند بیش از پیش جذاب شوند. این موضوع نه تنها قدرت مداخله شهروندی را افزایش می‌دهد، بلکه حس تعلق، هویت‌مندی و غنا را نیز به همراه می‌آورد، نیازهای متنوع شهروندان را مغتنم می‌شمرد و شرایط را برای پاسخ‌دهی به آنها فراهم می‌کند.

فعال مردمی و مداخله شهروندان و مسئولین حرفه‌ای در روند شکل‌دهی و خلق محیط پیرامونی می‌شوند. این نهادها باید خودجوش و حافظ منافع مردم باشند. همچنین، شایان توجه است که ارتباطات اجتماعی، بدنه‌ای مشترک از دانش را تولید می‌کند که حاوی اطلاعات، ایده‌ها و مهارت‌هایی است که همکاری خلاق میان متخصصین و شهروندان را به ارمغان می‌آورد؛ نقطه‌ای که در آن، امر رأی‌گیری، جایگزین جمع‌گرایی همراه با نفی اراده فردی در تصمیم‌سازی می‌شود. آموزش و ارتقای آگاهی شهروندان موجب می‌شود محیط شهری برای آنها اهمیت یابد و این موضوع نیز به نوبه خود باعث می‌شود تا عموم مردم از فضاهای شهری نگهداری کنند و در حفظ آنها بکوشند. بخشی از امر آموزش باید توسط متخصصین حرفه‌ای و بی‌طرف در سازمان‌های مردم‌نهاد انجام شود. این ارگان‌ها اهدافی مانند تشویق شهروندان به محترم‌شمردن منافع دیگران در کنار منافع شخصی و جلوگیری از خودبینی را دنبال می‌کنند. در واقع، روش‌های مفیدی برای درگیر کردن اجتماعات محلی از جمله کارگاه‌ها، مراکز طراحی اجتماعی، مسابقات طراحی و غیره وجود دارد. این روش‌ها برآنند تا قوه ابتکار و سخت‌کوشی مردم را ارتقاء دهند و در عین حال شهروندانی خلاق و دارای اذهان سالم پرورش دهند تا خلاقیت بی‌پایان مردم به درون فضاهای شهری تزریق شود. البته نباید فراموش شود که نهادهایی همچون رسانه‌ها نیز می‌توانند نقش قابل توجهی در ارتقای آگاهی شهروندان ایفا کنند. از طریق موارد ذکرشده، هر فرد می‌تواند در تعریف فضاهای شهری و رشد و پیشرفت آن مشارکت داشته باشد.

همچنین گفتمان شهروندی، نیازمند ارتباط چهره به چهره‌ای است که تام اتلی^{۲۶} آن را در قالبی از شوراهای مشورتی شهروندان^{۲۷} مغتنم شمرده است. در این شوراها دغدغه عموم مردم توسط خودشان بازگو می‌شود. این معیار بر برنامه‌ریزی و طراحی شهری ارتباطی تأکید می‌کند. سازمان‌های مردم‌نهاد موظف‌اند جلسات درخور مشارکت تمامی بخش‌های اجتماعی و متخصصین مؤثر و مرتبط را سازمان‌دهی نمایند. اهمیت این نشست‌ها در شکل‌گیری ارتباطات مربوط به مشکلات شهری و همچنین مرور و بحث در مورد نظرات، پیشنهادها و انتقادات و همین‌طور رسیدن به طیف وسیعی از مدیریت تعارضات در مواقع بحرانی است. این فرایند با درگیر کردن مستقیم شهروندان در پروژه‌های شهری، مسئولیت‌پذیری شهروندی را نیز افزایش می‌دهد. قدرت گفتمان سبب تحقق محیطی آزاد و جامعه‌ای باز می‌شود، محلی که در آن هر فرد می‌تواند تفکرات خود را به کارآمدترین نوع ممکن و در بستری از دموکراسی مشورتی بروز دهد. نهایتاً این موضوع می‌تواند به احیای ماهیت میان‌رشته‌ای فرایند تصمیم‌سازی در امور شهری کمک کند.

همواره باید مطمئن شد که هر فرد می‌تواند، بدون هیچ‌گونه تبعیض، نقش بسزایی در اصلاح و شکل‌دهی پروژه‌های شهری ایفا کند. این مسئله باید هم در موضوعات ماهوی و هم محتوایی در نظر گرفته شود و برنامه‌ها و طرح‌های شهری نیز با توجه به امر همه‌شمولی و تنوع پیشنهاد گردند. علاوه بر این، همواره باید گزینه‌های مختلفی در برنامه‌ریزی و طراحی شهری ارائه شود. در واقع بهتر است برنامه‌ها و طرح‌های شهری، اولویت‌ها و نیازهای متفاوت گروه‌های مختلف مردمی را در نظر بگیرند. این مسئله نیازمند دانشی کافی در مورد گرایش‌های شهری است و می‌تواند از طریق آموزش صحیح قابل دستیابی باشد. همچنین تمامی شهروندان درگیر در روند مشارکت‌های اجتماعی، باید بتوانند پیشنهاد‌های خود را براساس نیازهای خود اظهار دارند. این موضوع، مشارکت عمومی را تا حد معقولی افزایش می‌دهد.

بحث

معیارهای دموکراتیک مطرح‌شده در بخش پیشین، عملاً باید به عنوان چشم‌اندازی بی‌نقص برای باهمستان‌های شهری ما تلقی شوند تا از بروز پروژه‌های شهری ناکارآمد در کشور ایران و مشکلات جدی حاصله در فرایندهای ارائه و اجرا، تا حد امکان، جلوگیری شود. بسیاری از باهمستان‌های شهری کشورهای غربی، مراحل مختلفی را برای رسیدن به حد مطلوبی از مشارکت و مداخله شهروندی و ملاحظه حقوق مدنی در فرایند برنامه‌ریزی و طراحی شهری طی نموده‌اند و این تکامل همچنان ادامه دارد؛ بنابراین، در کشور ما نیز باید قدم‌های زیادی در دو مقیاس کلان و خرد برداشته شود. در واقع، با وجود ساختار متمرکز کنونی موجود در بخش کلان پروژه‌های شهری ایران، نگارندگان این مقاله معتقدند که با ارائه برخی تمهیدات، دموکراسی شهری و ساختار غیرمتمرکز موجود در بخش‌های خرد همچون باهمستان‌های شهری قابل دسترسی است. اخیراً، جامعه مدنی و اتحادیه‌های اجتماعی در ایران قدرتمندتر شده و آگاهی شهروندان نیز افزایش یافته است. در واقع، در حال حاضر مردم نسبت به اثرات مثبت و منفی پروژه‌های شهری بر روی محیط پیرامونی خود مسئول‌تر شده‌اند و به همین خاطر، نیاز به در نظر گرفتن آنها در فرایند تصمیم‌گیری به‌شدت احساس می‌شود. البته نباید فراموش شود که پاسخگو بودن نظام مدیریت شهری، مهم‌ترین عامل مؤثر در روند تحقق دموکراسی شهری است. لذا در ادامه، برخی تمهیدات عمومی برای نیل به چشم‌انداز فوق‌الذکر و باهمستان‌های قدرتمند پیشنهاد شده است:

- اعطای نقش قانونی و مؤثر به ساکنان و شهروندان در تهیه برنامه توسعه الگوی محلات شهری؛
- در نظر گرفتن نقش قانونی مستقیم برای سازمان‌های

• زمینه‌گرایی و احترام متقابل میان شهر و شهروند

احترام گذاشتن به شهر به معنای حفاظت از هویت است و نه انکار آن؛ تخریب محیط و عدم احترام به شهر و زمینه موجود همواره در بستری از یک نظام طبقاتی ناعادلانه اجتماعی رخ می‌دهد. شهر در صورتی به شهروندان احترام می‌گذارد که به مثابه یک ارگانسیم زیست‌پذیر طراحی شود و بتواند زمینه‌گرایی اجتماعی-فرهنگی و محیطی را ارج بنهد. این موضوع، احترام متقابل میان شهر و شهروند را ارتقاء می‌دهد. همچنین، این تعامل زمانی رخ می‌دهد که شهروندان، شهر را از آن خود بدانند.

• ارج نهادن به وجدان شهروندی و حق به شهر

بی‌شک دموکراسی متکی بر افراد جامعه است. شهروندان تمایل دارند تا با عضویت در جامعه ایده‌آل خود، ارزش‌های خوب و بد را از هم تمییز دهند. وجدان عنصری ذاتی، سرنوشت‌ساز و آموختنی است که به واسطه آن، امر خوب از بد متمایز می‌شود. بازیابی وجدان شهروندی، متأثر از عوامل اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و به طور متقابل به شهر مرتبط است و وفاداری مردم به قوانین و مقررات اجتماعی را در چارچوب جامعه مدنی تعیین می‌کند. در واقع، تعریف عمومی از وجدان می‌تواند به امور شهری نیز تعمیم داده شود، زیرا این مسئله به گونه‌ای تنگاتنگ به کارایی نتایج حاصل از برنامه‌ریزی و طراحی شهری مرتبط است. همچنین، مسئله حق به شهر باید در باهمستان‌ها و اجتماعات محلی، بدون هیچ‌گونه تبعیضی محترم شمرده شود. در واقع، امکان استفاده و دسترسی به فضاهای شهری اجتماعی باید برای همه شهروندان مهیا باشد.

• رعایت انعطاف‌پذیری، همه‌شمولی، تنوع و ارائه گزینه‌های متعدد

هر طرح باید با وضع موجود سازگار باشد و به دور از روش‌های خشک و غیرقابل تغییر، آماده و مکرراً اصلاح شود. این مسئله نیازمند محاسبه تمامی جوانب و گزینه‌های گوناگون ممکن در طیفی از زمان‌ها و مکان‌های مختلف است. یک طرح یا برنامه باید قادر باشد به نیازهای متغیر اجتماعات محلی به‌خوبی پاسخ دهد. فرایند شهری دموکراتیک به تغییر ارج می‌نهد و نه به رخوت؛ همچنین، یک شهر نمی‌تواند از محیط پیرامونش جدا باشد، بنابراین، شهر باید بتواند در طول زمان، خود را با تغییرات اجتناب‌ناپذیر وفق دهد. طراحی و برنامه‌ریزی شهری متنوع می‌تواند با مدیریت هم‌زمان قومیت‌ها، فرهنگ‌ها و نژادهای گوناگون در قالب فرایندی دموکراتیک، درک متقابل شهروندان از یکدیگر را نیز بالا ببرد. فارغ از دیدگاه کمی در موضوع مشارکت شهروندی، هدف اصلی همانا درگیر کردن افراد با سنین و جنسیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف در فرایندهای شهری است.

برنامه‌ها و طرح‌ها و همین‌طور زمینه‌سازی برای تحقق آنها می‌گردد. در حقیقت در شرایط غیردموکراتیک، شهروندان و ساکنین شهری تبدیل به عناصری منفعل، زیاده‌خواه، غیرمسئول، مشارکت‌گریز و فرصت‌طلب می‌شوند. همین امر موجب می‌شود تا اخلاق اجتماعی از یک سو و فضاهای شهری و عمومی از سوی دیگر به انحطاط کشیده شوند؛ بنابراین، در فرایندهای توسعه برنامه‌ها و طرح‌های شهری، مردم باید بتوانند به‌گونه‌ای آگاهانه و آزادانه و به دور از تبعیض و همراه با مشارکت نظام‌مند مستقیم در مراحل مختلف تدوین و اجرا ایفای نقش نمایند. نباید فراموش شود که هر شهروند براساس حقوق شهروندی خود، نقشی برجسته در خلق و استفاده از فضای شهری ایده‌آل بازی می‌کند. علاوه بر این، باید به‌جد از ساختارهای انحصارطلبانه، فن‌سالارانه، افراطی و عوام‌گرایانه در فرایندهای شهری کشورمان اجتناب شود، زیرا کنترل کامل یک بخش یا یک گروه همواره باعث ایجاد فرمی تمامیت‌خواهانه و اقتدارطلبانه می‌شود.

همچنین، پیش از تحقق رویه‌های شهری دموکراتیک، بهتر است الگوهای فکری دموکراتیک در حرفه‌های شهری نهادینه شود تا به واسطه آن شهروندانی دموکراتیک پرورش یابند. پس از آن است که می‌توان نسبت به افزایش سطح آگاهی و مسئولیت‌پذیری همه شهروندان مبادرت ورزید. در واقع، وجود شهروندان آگاه، آزاد، فعال، منتقد و مشارکت‌جو، بخش عظیمی از هزینه‌ها و مشکلات شهرها را حل می‌کند. چراکه شهروند واقعی، خود را بخشی از فرایند توسعه و حمایت و صیانت از شهر و داشته‌های آن به حساب می‌آورد. لذا دموکراسی، افراد متفرق و غیرهمسو را به سوی یک وحدت هم‌افزا و سازنده هدایت می‌نماید. از این رو، استقرار و ادامه حیات غیردموکراتیک و غیرفضایی عناصر شهری و حتی مدیران و شهروندان، بزرگ‌ترین آفت برای توسعه همه‌جانبه و فراگیر شهری است.

اکنون می‌توان دریافت که نیل به فرایندهای دموکراتیک در برنامه‌ریزی و طراحی و مدیریت شهری، نیازمند قوانینی است که باید واضح، منصفانه و مقبول باشند. به واسطه همین قوانین شهری و همین‌طور سازمان‌های مردم‌نهاد، شهروندان به‌تدریج می‌توانند مستقیماً در فرایند پیشنهاد، اجرا و ارزیابی طرح‌ها و برنامه‌های شهری مشارکت کنند. در پرتو همین مهم، برنامه‌ها و طرح‌های شهری منعطف‌تر و شفاف‌تر شده و در نتیجه، خرد و احساس و تصور انسان‌ها در یک ماهیت مشارکتی به‌طور برابر و توأمان در آنها ارزش می‌یابد. این فرایند باید فارغ از وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی طبقات گوناگون، فرصت‌های برابری را برای مردم حاضر در اجتماعات محلی خلق کند. براساس این نتایج، برنامه‌ریزی و طراحی شهری می‌تواند به‌مثابه یک فرایند میان‌رشته‌ای متکی بر اصول اساسی دموکراسی تعریف شود که به وسیله جامعه مدنی مستحکم و قوانین عادلانه شهری به مدیریت

مردم‌نهاد مرتبط، در فرایندهای برنامه‌ریزی و طراحی و مدیریت شهری؛

- فراهم کردن بستری برای در معرض دید و قضاوت قرار دادن برنامه‌ها و طرح‌های توسعه شهری و اعطای حق اظهار نظر و اعتراض عمومی نسبت به آنها؛
- برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی و عملی متنوع برای شهروندان در مورد مسائل شهری توسط متخصصین محلی در شوراها محلی؛
- برگزاری جلسات گفتمان برای برقراری و ارتقای کیفیت مباحثه میان متخصصین و گروه‌های گوناگون برای نیل به تصمیمات سازنده در خصوص تدوین برنامه‌ها و طرح‌ها و نیز نحوه مدیریت شهری؛
- اطلاع‌رسانی و ایجاد زمینه‌ای آزاد برای دسترسی به اطلاعات شهری از طریق شفاف‌سازی هرچه بیشتر مدیریتی و مالی امور شهری؛
- تقویت حیات شهری و مدنی در باهمستان‌ها با طراحی و اجرای فضاهای شهری واجد کیفیت در راستای ایجاد تعاملات اجتماعی وسیع‌تر؛
- ایجاد روندی غیرمتعصبانه در بازنگری مکرر قوانین شهری برای کسب مشروعیت و همه‌شمولی بیشتر؛
- تقویت مستمر و نظام‌مند امر آموزش در سطوح مختلف اجتماعی و تحصیلی برای افزایش آگاهی نسبت به حقوق شهری و نحوه برنامه‌ریزی و طراحی و مدیریت شهری و نیز نحوه مشارکت سازنده عمومی و همین‌طور ارج‌نهادن به حقوق شهروندی همچون عدالت و برابری؛
- ارتقای آگاهی شهروندان در حوزه توسعه محله و شهر به عنوان بخشی از برنامه‌های توسعه و مدیریت شهری؛
- امکان به دادگاه کشاندن و دریافت غرامت از نظام مدیریت شهری ناکارآمد به دلیل بی‌کفایتی در پاسخگویی و یا عدم توانایی در برآورد خدمات و زیرساخت‌ها و یا حتی بروز خسارت‌های جانی و مالی برای شهروندان.

نتیجه‌گیری

این مقاله نشان داد که نظام تمرکزگرا و غیردموکراتیک موجود در امر برنامه‌ریزی و طراحی و توسعه شهری و همین‌طور نادیده گرفتن شهروندان در جوانب مختلف فرایندهای شهری، باعث شده تا شهرهای کنونی کشورمان به نمونه‌هایی ناکارآمد بدل شوند. در این موارد، شهروندان به جای اینکه بخش مؤثری از راه‌حل باشند، به بخش جدایی‌ناپذیری از مشکل تبدیل می‌شوند. در واقع شهروندان فقط در یک فرایند دموکراتیک می‌توانند نسبت به شهر و برنامه‌ها و طرح‌های توسعه و اداره آنها احساس مسئولیت و بنابراین احساس وظیفه داشته باشند. همین امر موجب ارتقای سطح کیفی

فهرست منابع

- بشیریه، حسین. (۱۳۹۲). درس‌های دموکراسی برای همه. تهران: نشر نگاه معاصر.
- بنتلی، ای‌ین؛ ال‌کک، آلن؛ مورین، پال؛ مک‌گلین، سو و اسمیت، گراهام. (۱۳۹۱). محیط‌های پاسخ‌ده: کتاب راهنمای طراحان (ترجمه مصطفی بهزادفر) تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
- بهزادفر، مصطفی و محمودی کردستانی، پیام. (۱۳۸۸). هنجارهای کیفی طراحی فضای شهری مردم‌مدار (آزادی‌مدار). معماری و شهرسازی آرمانشهر، ۲(۳)، ۳۲-۴۸.
- بهزادفر، مصطفی. (۱۳۹۲). طرح‌ها و برنامه‌های شهرسازی. تهران: انتشارات شهر.
- بیکن، ادموند. (۱۳۹۱). طراحی شهرها (ترجمه فرزانه طاهری). تهران: انتشارات شهیدی.
- بوپر، کارل. (۱۳۸۰). جامعه باز و دشمنان آن (ترجمه عزت‌الله فولادوند). تهران: انتشارات خوارزمی.
- پیرزاده، حسین. (۱۳۸۷). اصلاح نظام مدیریت توسعه شهری در ایران براساس رویکرد راهبردی. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
- توکلی‌نیا، جمیله؛ رئیسی، حسین و آقایی، پرویز. (۱۳۹۴). سنجش میزان کارایی زیرگذرهای شهری در راستای پایداری (مورد پژوهی: زیرگذر چهارراه ولیعصر، تهران). مطالعات مدیریت شهری، ۷(۲۱)، ۲۲-۳۴.
- تیبالدز، فرانسیس. (۱۳۸۷). شهرسازی شهروندگرا: ارتقای عرصه‌های همگانی و محیط‌های شهری (ترجمه محمد احمدی‌نژاد). اصفهان: انتشارات خاک.
- حبیبی، سید محسن. (۱۳۷۸). جامعه مدنی و حیات شهری. هنرهای زیبا، ۷، ۲۱-۳۳.
- خادم‌الحسینی، احمد و عارفی‌پور، صفیه. (۱۳۹۱). شهرسازی مشارکتی و جایگاه مردم در برنامه‌ریزی شهری. مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۷(۱۹)، ۱۰۸-۱۲۳.
- خلیلی، احمد؛ نورالهی، حانیه؛ رشیدی، نعیمه و رحمانی، مریم. (۱۳۹۳). ارزیابی سیاست‌های مسکن مهر در ایران و ارائه راهکارهایی جهت بهبود آن. مطالعات شهری، ۴(۱۳)، ۸۳-۹۴.
- سالیوان، راجر جی. (۱۳۸۰). اخلاق در فلسفه کانت (ترجمه عزت‌الله فولادوند). تهران: طرح نو.
- شمعی، علی؛ فخری پور محمدی، افسانه؛ زنگانه، احمد و پرزادی، طاهر. (۱۳۹۵). ارزیابی رضایتمندی شهروندان از عملکرد زیرگذرها در شهر تهران (مطالعه موردی: پروژه زیرگذر چهارراه ولیعصر شهر تهران). مطالعات مدیریت شهری، ۸(۲۷)، ۴۲-۵۳.
- کامروا، سید محمد علی. (۱۳۹۲). شهرسازی معاصر ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لینچ، کوین. (۱۳۹۰). تئوری شکل خوب شهر (ترجمه سید حسین بحرینی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- هابرماس، یورگن. (۱۳۹۱). نظریه کنش ارتباطی (ترجمه کمال پولادی). تهران: مرکز.
- هاروی، دیوید و مریفیلد، اندی. (۱۳۹۲). حق به شهر: ریشه‌های شهری بحران‌های مالی (ترجمه خسرو کلانتری). تهران: مهریستا.

اهداف مشترک و تعارضات پرداخته و براساس عقاید و شخصیت دموکراتیک شهروندان شکل می‌گیرد. باهمستان‌های توانمند به عنوان محل تبلور مشارکت فعال شهروندی، فرصتی معقول را برای همه ایجاد می‌کنند و ضمن تقویت روابط اجتماعی، مسبب حرکت مردم به سوی هدفی مشترک می‌شوند؛ بنابراین، تا زمانی که علایق و کشمکش‌های شهروندان در باهمستان‌ها، فارغ از مرتبه و سطح و تخصص و در تمامی سطوح برنامه‌ها و طرح‌های مورد نظر تکریم نشود، پروژه‌های پیشنهادی متخصصین مشروعیت و صحت نخواهد داشت و نتایج کارآمدی حاصل نخواهد شد. در واقع، تمامی این موارد می‌تواند روشنگر تعریف دموکراسی در حوزه فرایندهای توسعه فضاهای شهری، و همین‌طور مهیاکننده شرایط لازم برای تحقق این مهم در فرایند برنامه‌ریزی و طراحی شهری باشد. به عنوان سخن نهایی، اگر دموکراسی و مشارکت واقعی مردم در حوزه توسعه شهری تحقق یابد، می‌توان انتظار داشت که تصمیم‌گیری‌های صحیح‌تر و اجرای موفقیت‌آمیزتر برنامه‌ها و طرح‌های شهری نیز حتمی‌تر شود.

قدردانی

نگارندگان از پرفسور هنری سانوف به دلیل همکاری و مشارکت صبورانه در فرایند اصلاح و پیشرفت مقاله از طریق نظرات ارزشمند و حرفه‌ای‌شان کمال تشکر را دارند.

پی‌نوشت‌ها

۱. Totalitarian
۲. Populism
۳. Elitism
۴. Pluralism
۵. Individualism
۶. Altruism
۷. Egoism
۸. Relativism
۹. Conventionalism
۱۰. Equalitarianism
۱۱. Legal-positivism
۱۲. Harold Laski
۱۳. Harold Lasswell
۱۴. John Rawls
۱۵. Right to the City
۱۶. Don Mitchel
۱۷. Iris Marion Young
۱۸. Edward Soja
۱۹. Susan Fainstein
۲۰. Mark Purcell
۲۱. Toni L. Griffin
۲۲. نظریه چارلز لیندبلوم (Charles Lindblom)، حاکی از توسعه‌دهندگی، سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری تدریجی و مرحله به مرحله است.
۲۳. Henry Sanoff
۲۴. Nick Wates
۲۵. Nabeel Hamdi
۲۶. Tom Atlee
۲۷. Citizens Deliberative Councils (ر. ک. به: Atlee, 2003)
۲۸. Transcendental (ر. ک. به: Kant, 2000)

- Appleyard, D. (1979). *Planning the pluralist city*. Cambridge: MIT Press.
- Atlee, T. (2003). *The tao of democracy: using co-intelligence to create a world that works for all*. Cranston, RI: The Writers Collective.
- Bahrainy, H. & Aminzadeh, B. (2007). Evaluation of Navab regeneration project in central Tehran, Iran. *International Journal of Environmental Research*, 1(2), 114-127.
- Barzegaran, M. & Daroudi, M. R. (2015). Assessment of Mehr housing project as an example of housing for low-income people in Iran. *IOSR Journal of Mechanical and Civil Engineering*, 12(1), 70-74.
- Jahanbegloo, R. (2007). *Conversations with Isaiah Berlin*. London: Halban Publishers.
- Bickford, S. (2000). Constructing inequality: city spaces and the architecture of citizenship. *Political Theory*, 28(3), 355-376
- Brain, D. (2006). Democracy and urban design: The transect as civic renewal. *Places Journal*, 18(1), 17-23.
- Fainstein, S. (2014). The just city. *International Journal of Urban Sciences*, 18(1), 1-18. DOI: 10.1080/12265934.2013.834643
- Francis, M. (1987). The making of democratic streets. In A.V. Moudon (Ed.), *Public streets for public use*. New York: Columbia University Press.
- Griffin, T. L., Cohen, A. & Maddox, D. (2015). *The just city essays: 26 vision for urban equity, inclusion and opportunity* (Volume 1 of The Just City Essays Series). Independent Publisher. Available at: <https://www.thenatureofcities.com/the-just-city-essays>
- Habermas, J. (2001). *The postnational constellation: political essays* (M. Pensky, Trans.). Cambridge, MA: MIT Press.
- Hamdi, N. (2004). *Small change; about the art of practice and the limits of planning in cities*. London: Earthscan.
- Hamdi, N. (2010). *The placemaker's guide to building community*. London: Earthscan.
- Houghton, G. & Hunter, C. (2005). *Sustainable cities*. London: Routledge, Taylor & Francis Group.
- Jacobs, J. (1961). *The death and life of great American cities*. New York: Random House Publication.
- Jacobs, A. & Appleyard, D. (1982). *Towards an urban design manifesto*. UC Berkeley: Institute of Urban and Regional Development, Working No. 385. Retrieved from <https://escholarship.org/uc/item/35v0b85k#author>
- Kant, I. (2000). *Critique of pure reason* (P. Guyer & A.W. Wood, Trans.). London: Cambridge University Press.
- Kapeller, J. & Pühringer, S. (2012). *Democracy in liberalism and neoliberalism: the case of Popper and Hayek*. No: 10. ICAE working paper series. Linz, Austria: JKU Press.
- King, L. A. (2004). Democracy and city life. *Journal of Politics, Philosophy & Economics*, 3(1), 97-124.
- Lefebvre, H. (1991). *The production of space* (D. Nicholson-Smith, Trans.). Oxford: Blackwell Publishers Ltd.
- Lefebvre, H. (1996). *Writings on cities* (E. Kofman & E. Lebas, Trans and Eds.). Oxford: Blackwell Publishers Ltd.
- Lerner, D. (1958). *The passing of traditional society: modernizing Middle East*. New York: Free Press of Glencoe.
- Maghsoodi Tilaki, M. J., Azizi, B., Aldrin, A. & Hedayati Marzbali, M. (2014). Improving the preparation of Iranian urban development plans: lessons learned from other experiences. *Modern Applied Science*, 8(4), 144-157.
- Mahmoudi Kurdistan, P., Khodabakhsh, P. & Mashayekhi, S. (2012). Democratic urban streets design guideline codifications. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 5(8), 71-82.
- Mäntysalo, R. (2004). *Approaches to participation in urban planning theories*. Brozzi and Le Piagge Neighbourhoods: Rehabilitation of Suburban Areas: Diploma Workshop in Florence, 2004/05.
- MirafTAB, F. (2012). *Planning and citizenship* (R. Weber & R. Crane, Eds.) New York: Oxford University Press. Chapter 38, 1180-1204.
- Mitchell, D. (2003). *The right to the city: social justice and the fight for public space*. New York: Guildford
- Purcell, M. (2002). Excavating Lefebvre: the right to the city and its urban politics of the inhabitant. *GeoJournal*, 58(2-3), 99-108.
- Purcell, M. (2003). Citizenship and the right to the global city: reimagining the capitalist world order. *International Journal of Urban and Regional Research*, 27(3), 564-590.
- Purcell, M. (2013). Possible worlds: Henri Lefebvre and the right to the city. *Journal of Urban Affairs*, 36(1), 141-154.
- Purcell, M. (2016). For democracy: planning and publics without the state. *Planning Theory*, 15(4), 386-401.
- Rawls, J. (2001). *Justice as fairness; a restatement*. London: Harvard University Press.
- Rowe, C. & Koetter, F. (1978). *Collage city*. Cambridge: MIT Press.
- Sanoff, H. (2007). Community based design learning: democracy and collective decision making. In A. M. Salama & N. Wilkinson (Eds.), *Design studio pedagogy: Horizons for the future* (pp. 21-38). Gateshead, UK: Urban International Press.
- Sanoff, H. (2008). Multiple views of participatory design.

International Journal of Architectural Research, 2(1), 57-69.

- Sanoff, H. (2010). *Democratic design: participation case studies in urban and small town environments*. Düsseldorf, Germany: Verlag-Muller.
- Soja, E. W. (1996). *Thirdspace: journeys to Los Angeles and other real-and-imagined places*. Cambridge: Blackwell.
- Soja, E. W. (2010). *Seeking spatial justice*. Minneapolis, MN:

University of Minnesota Press.

- Wates, N. (2000). *The community planning handbook; how people can shape their cities, towns and villages in any part of the world*. London: Earthscan.
- Wates, N. (2008). *The community planning event manual; how to use collaborative planning and urban design events to improve your environment*. London: Earthscan.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

براتی، ناصر؛ حیدری، فردین و ستارزاد فتحی، مانی. (۱۳۹۸). به سوی فرایندی دموکراتیک در برنامه‌ریزی و طراحی شهری؛ ارزیابی وضعیت مداخله شهروندان در برنامه‌ها و پروژه‌های شهری ایران. باغ نظر، ۱۶(۷۶)، ۵-۲۰.

DOI: 10.22034/bagh.2019.135523.3627

URL: http://www.bagh-sj.com/article_93430.html

